

دوران کودکی و دوران اشتہار مردان نامی جهان

تربیت دوران کودکی تا چه حد در وجود

آمدن مردان بزرگ کمک کرده است

پدر نويسنده معروف انگلیسی، خانم ویرجینیا ولف، نه تنها مؤلف پرانرژی «فرهنگ ملی بیوگرافی» بود، بلکه اولین کوهنوردی بود که به قله «شریکهورن» صعود کرد و او قهرمان پیاده روی نیز بود، و می توانست ۸۰ کیلومتر راه برود. پدر ادیسون مردی فعال بود، در شورش‌هایی که در کانادا علیه قدرت انگلستان به‌پاسد شرکت داشت و پس از اینکه مدت دوروز و نیم پلیس و سرخ پوستان و سگ‌هایشان در تعقیب او بودند، به امریکا فرار کرد.

مادر چرچیل «جنی جروم» یک زن فعال و پر حرارت آمریکایی بود که لقب «پلنگ خانم» به او داده بودند؛ زنی بود ورزشکار،

دوران کودکی و دوران اشتہار مردان نامی او آخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم، نمونه‌هایی که کنترل انتخاب می‌کند، متنوع اند. مردان بزرگ سیاسی، دانشمندان، هنرپیشگان، فلاسفه، تجار، تبه‌کاران نامی از قبیل هیتلر و بشر دوستانی مانند گاندی و دکتر «شوایتزر» و غیره.

نتیجه‌گیری که گرتزل از این تحقیق تطبیقی می‌کند، گاه واقعاً باعث شگفتی می‌گردد. اولین نتیجه این است که در نوددر صد موارد مطالعه شده، حداقل در یکی از افراد خانواده این مردان نامی، استعداد تحقیق، جستجو، کاوش، حادثه جوئی، و صرف انرژی جسمی و روحی وجود داشته است.

ویکتور گرتزل روان‌شناس آمریکایی، با در نظر گرفتن دوران کودکی چهار صد نفر از مردان مشهور جهان، کشف جالبی را در مورد مسائل خانه و مدرسه انجام داده است که این تحقیق و نتیجه‌گیری از آن، می‌تواند پیش‌آهنگی برای یک پیروزی باشد. «ویکتور گرتزل» می‌گوید:

روان‌شناسی جدید برای سال‌های دوران کودکی اهمیت خاصی قائل می‌شود و این اهمیت از آن روست که وضع کلی بزرگسال را می‌توان مربوط به دوران کودکی وی دانست. «ویکتور گرتزل» روان‌شناس متخصص کودکان تیزهوش، تحقیق جالب و دقیقی در این زمینه انجام داده است، مطالعه او مربوط است به تحلیل و تجزیه تطبیقی

اسب سواری را بخوبی می دانست
صیاد خوبی بود و با اقدام به نشریه
مجله ای که ۱۱ شماره اش بیشتر
منتشر نشد، باعث ور شکستگی
مادی خودش.

البته در موارد زیادی والدین
یا حداقل یکی از والدین با کوشش
قابل توجه و همت بی مانند و یا
روشهای تازه و بی سابقه بی به تربیت
فرزند خود بی پردازند مادر
دپابلو کازال» تصمیم داشت که
فرزندش، استاد معروف موسیقی
شود، به همین جهت بود که ویلای
خانوادگی، شوهر و دیگر
فرزندانش را ترک کرد تا بتواند
وسيله مطالعه و عوفقیت پابلو را
فراهم سازد. خود او بمطالعه
پرداخت و چندین زبان خارجی
آموخت، زیرا فکر می کرد این
کارش به پسر او کمک می کند.

«مادر آرتور شنابل» بیانست»
معروف، شوهر خود را که تاجر
پشم بود، مجبور کرد از دهکده
کوچک بیلیمز در اتریش به وین
نقل مکان کند تا پسرش بتواند
در رشته موسیقی تحصیلات عمیقتر
و وسیع تری داشته باشد، والدین
ادیسون و مارکنی که بکار مدرسه
اعتماد کامل نداشتند، به تربیت
طفل خود در خانه همت گماشتند،
رمان نویس معروف «هانری جیمز»
و برادر فیلسوفش ویلیام جیمز،

مرتب مدارس خود را تغییر دادند
و بدنبال پدر، که يك مرد سیاسی
بود، و همیل داشت بچه هایش
از فرهنگهای متفاوت بهره
برگیرند، از نقطه بی از جهان به
نقطه دیگر رفتند.

این والدین که ایده های ثابتی
در مورد تربیت فرزندان شان
دارند، کمتر پیش می آید که رفتار
بی طرفانه ای در اجتماع اختیار کرده
باشند.

در مورد ۴۰۰ خانواده ای
که بوسيله گرتزل مورد مطالعه
قرار گرفته اند، ۲۲۷ خانواده
در يك خصوصیت - که عدم توافق
با شرایط زندگی شان از نظر سیاسی،
عذمی، مسائل اجتماعی، وغیره
می باشد - به مشبه هستند.

در اغلب موارد اطفال این
خانواده ها بدون اینکه در رفتارشان
جنبه طفیان و شورش دیده شود،
نظر والدین را در زندگی بکار
می بندند. «پرل اس باک»، که
دختر يك کشیش مبلغ بود، و در
چین زندگی می کرد با اظهار
عقاید خود به دوستانش در مدرسه
شانکهای آشوبی بها کرد و این
عقاید جز عقاید پدر او که معتقد
بود آئین مسیح و کنفوسیوس هر دو
يك منظور را دنبال می کنند،
چیزی نبود.

فیلسوف انگلیسی «برتراند راسل»

پدری داشت که مخالف مذهب بود
و در وصیت نامه اش دو نفر بیدین را
به عنوان قیم پسرانش انتخاب کرد
و در نتیجه يك دادرسی، پسران او
را از این کافران گرفتند و تربیت
آنها را به مادر بزرگشان واگذار
کردند که این مادر بزرگ، خود
در سن هفتاد سالگی، با جنگهای
استعماری و سیاست ایرلندی ها
مخالفت و مبارزه می کرد.

پدر «ژوزف کنراد» رمان
نویس لهستانی الاصل و پدر
پادرسکی پیا نیست مشهور، به
علت فعالیت های سیاسی به سپیری
تبعید شده بودند. پدر «گوگن»
نقاش معروف يك جمهوری طلب
افراطی بود که پس از روی کار
آمدن ناپلئون سوم به «پرو» تبعید
شد و جد مادری اش «فلورا ترستان»
با تبلیغ سوسیالیسم، شهرت
خود را بدست آورده بود.
پدر تسکانی از طرفداران سر-
سخت «گاریبالدی» بود، و در
اغلب زدو خورد ها او را همراهی
می کرد. پدر اغلب مردان بزرگ
عقاید پیشرفته ای داشته اند. و در
بین چهار صد خانواده مطالعه شده
يكی پیدا نشده است که علناً با
اصول سیاست یا مذهب مخالفتی
نداشته باشد.

با وجود این، از همه این
خانواده ها که طرفدار فعالیت

و کار هستند و ایده‌های تازه‌ای دارند ، تعداد آن‌های که به اندازه فرزندان نشان معروف باشند کم است .

پس ارزش پدرمردان مشهود در چه چیز است؟ «ویکتور گرتزل» در این مورد کشف جالب و تازه‌ای کرده است : در بین خانواده‌هایی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند ، تقریباً نیمی از آنها از تمایل به یک عدم موفقیت رنج می‌برند ، بعضی از آنها زندگی خود را به خاطر چیزهای پوچ و دور از واقعیت بهدر می‌دهند ، نمونه اینگونه پدرها ، پدر «جیمز جویس» است که خوب صحبت می‌کند . معاش بسیار خوبی ست ، در میکده‌ها و میدان‌های مسابقه طرف توجه دیگران است ، یا کانت تولوزلو ترک که تمام وقت خود را صرف شکار باقوش می‌کند و بر مادبان سفیدی سواری می‌شود که با دست خود برای اوشیر می‌دوشد و غیره .

پدران دیگری نیز هستند که جداً کار نمی‌کنند ، ولی هنر آنها ناشناخته و گمنام است . یا ورشکست می‌شوند . پدر گرشوین ۲۸ بار بعلت ورشکستگی تغییر مکان داد . پدر «راول» که يك مهندس بود در ۱۸۶۶ با اختراع يك اتوهیپیل دوسیلندر پرداخت ، ولی این اختراع جز پرداخت

يك جریمه بعلت آزدردن همسایگان با صدای اتومبیل ، سودی برای او نداشت .

پدر «امیل زولا» هم يك مهندس بود او در فقر و بی‌پولی از دنیا رفت ، در حالیکه طرح ساختمان کاخ‌ها را می‌ریخت . وقتی که اینشتین ۱۵ ساله بود ، پدرش که صاحب يك کارخانه الکترو شیمی در وینچ بود ، ورشکست شد و برای جبران ورشکستگی خود ، به میلان رفت که در آنجا هم جز شکست نصیبی نیافت ، وقتی که « فروید » ۲۶ ساله بود ، پدرش اعتراف کرد که دیگر وسیله معاش و ادامه تحصیل او را در رشته طب ندارد . «لرد» راندلف چرچیل» پدر وینستون چرچیل در موفقیت سیاسی خود شکست خورد ، و در سن ۳۷ سالگی از زندگی سیاسی کناره گیری کرد پدر «برناردشو» پس از آنکه از کارمند بودن موفقیتی نیافت ، به باده نوشی پناه برد و زندگی خود را در این راه تباہ کرد . پدر «دیل کارنگی» چون نمی‌توانست مدد معاش خانواده خود را بپردازد با خانواده‌اش دهسپار آمریکا کردید ، و در آنجا « کارنگی » میلیاردر شد .

اغلب مساله ورشکستگی پدر در مواردی که ذکر شد ، بی‌آنکه

پسر را از نتیجه کار پدر نومید سازد ، بعکس او را به پیروزشدن واداری کند . شاید برای اینکه به مادر نشان دهد بهتر از پدر ، می‌تواند زندگی کند .

چنین بنظر می‌رسد که مساله‌ای شبیه به وضع « ادیب » باعث اغلب این موفقیت‌ها شده باشد . پسر ، پدر را نزد مادر می‌گذارد و برای اینکه مادر را خوشبخت کند چیزی که پدر از انجاش عاجز مانده است - ثروتمند و مشهور می‌شود . ولی پس از آنکه فرزند پایه‌این پدیده عشق‌ورزی را فاش ساخت ، بنظر می‌رسد که بسیاری از بیوگرافی‌ها و یا اتوبیوگرافی‌های مردان بزرگ نادرست‌تر از قدیم باشد .

در چهار صد مورد بررسی

۱ نام قهرمان افسانه‌یی کهن است . به پدر ادیب گفته شده بود که بدست پسرش کشته خواهد شد ، و این پسر با مادر خود عروسی خواهد کرد ، بهمین جهت پدر ادیب او را ترک گفت ، چوپان‌ها ادیب را پیش شاه بردند ، و شاه به تربیت او همت گماشت ، بعدها بی‌آنکه پدر را بازشناسد او را کشت ، و باز بی‌آنکه بداند ، تحت شرایط خاصی ، مادر خود را بزنی گفت . (مترجم)

شده ، «گرتزل» به این نتیجه رسید که تعداد پدران استیلا طلب بسیار کم بوده است (رویهمرفته ۲۱ تن) . در عوض تعداد مادرانی که بر تربیت فرزند خود تسلط کامل داشته‌اند زیاد بوده (۱۰۹) تن. این مادران که تعداد آنها به ۹۰٪ می‌رسد ، اغلب به علت عدم موفقیت شوهر خود از او روگردان شده تمام آرزوی خود را به سوی فرزندانشان معطوف می‌دارند .
مادر ، فرانک لویدرایت « آرشیتکت بزرگ و معروف

آمریکایی که به تأثیرات پیش از دنیا آمدن اعتقاد داشت ، پیش از آنکه فرزندش دنیا بیاید ، تصمیم گرفت آرشیتکت بشود .
مادر «لویی برومفیلد» نیز پیش از دنیا آمدن او تصمیم گرفته بود پسرش نویسنده شود . مادر «آنتون بروکنر» آتقدر فکراین را که پسرش موسیقیدان بزرگی بشود در سر پرورانده بود که همان روزی که شوهرش را بخاک سپرد ، از راه گورستان به مدرسه موسیقی رفت تا اسم پسرش را در آنجا بنویسد همچنین نقش مادران پابلو کازال ،

یهودی منوهین ، ژیاکو مویو چینی در تربیت فرزندانشان و شهرت آنها غیر قابل انکار است .
در بین این مادران ، مادران دیگری هم هستند که در طبقه خاصی قرار دارند «گرتزل» این مادران را «مادرهای خفه کننده» می‌نامند .
اینها سعی نمی‌کنند فرزندانشان بسوی فعالیت‌های خارجی رانده شوند ، بلکه به محدود شدن اینها در محیط نامرئی و محدود خود همت می‌گمارند ، مادران هیتلر ، هوسلینی و استالین ، چنین مادرانی بوده‌اند .



پسر بچه : بچه‌ها بریم به بابا برای ازدواج چهارمش تبریک بگوئیم !

آینده کودکان

بقیه از صفحه ۷



میدهد و کارهای علمی و تحقیقاتی و هنری بوسیله همکاری معاضدت دسته‌ها و تیم‌ها انجام میشود و نقش فودر منفا و مربوط به روابط اجتماعی جلا و جلوه پیدا می‌کند و نه جدا و سو از گروه‌های اجتماعی میتوان بسادگی پیش‌بینی کرد که در این اجتماعات نوع بازی کودکان مشوق کارهای دسته جمعی و همکاری گروهی است. بعبارت دیگر نوع بازی کودک است که رفتار اجتماعی وی را برای مناسبات اجتماعی آینده میسازد و شکل میدهد. مربی و سرپرست بر آنست که غرایز حیوانی کودک را در حلقه بازی‌ها تبدیل رفتار انسانی کند زورگوئی - انحصارطلبی - کینه جوئی - حسادت - تجاوز به حقوق همبازی‌ها در بازی‌های گروهی رفته رفته از میان میرود و جای خود را به محبت و دیگر یاری و تساهل و گذشت میدهد. بهر صورت مسئله بازی کودکان که برخی از کنار آن بسادگی و تسامح میکزرنند اگر بانگرشی علمی بررسی شود نقش حساس با اهمیتی را در تکامل اجتماعی و اخلاقی جامعه بعهدده دارد و بجاست از جانب کانون‌های علاقمند و مسئول مورد تأمل بیشتری قرار گیرد.

بازی‌هایی از نوع ساختن هواپیمای مقوایی و پاکشتی‌های کوچک چوبی ذهن کودکان را باطراحی و فنون این گونه صنایع بزرگ عادت میدهد چه بسیار خواننده و شنیده‌ایم که طراحان زبردست هواپیما و سایر وسائل نقلیه در اوان جوانی از میان همین کودکان برخاسته اند و ابداع و نوآوری‌های شگفت‌انگیزی را در صنایع سبک و سنگین موجب شده‌اند. مراحل صنعتی شدن ژاپون خود نوید این ادعاست زیرا در دوره‌های نخستین صنعتی شدن، بروشنی پیدا بود که محصولات و کالاها و ماشین‌ها بیشتر جنبه عاریتی دارد تا ابداع ولی نکته جالب این است که خلق و ابداع خلق الساعه نیست فنون و تجربه‌های انتقالی از گذشتگان است، ظرافت و دقت فنی (تکنولوژیک) خصوصیت و تمایز صنعتی از صنعت مشابه دیگر است مربوط بهمین تجربه‌ها و مهارت‌ها و مهارت‌هاست که فقط باپیدایش روحیه صنعتی و علمی در یک جامعه بوجود می‌آید. رفتار اجتماعی افراد و گروه‌ها و یک جامعه را از نوع و محتوای بازی کودکان آن جامعه میتوان پیش‌بینی کرد. جامعه‌ای که همکاری متقابل اساس مناسبات اجتماعی آنرا تشکیل